



## Review and Criticism of Reports of Individuals Leaving and Joining Imam Hossein (PBUH) on the Night of Ashura

Seyed Mohammad Reza Hosseini<sup>1</sup>

1. Associate professor of Payam e- Noor University, History and civilization of Islamic nations, Qom, Iran. Email: [Mreza\\_hosseini@pnu.ac.ir](mailto:Mreza_hosseini@pnu.ac.ir)

### Abstract:

The tragic event of Ashura is considered as one of the most important and influential events in the Islamic history. Despite the numerous efforts of Ashura scholars, many aspects of this event, including the incidents of the night of Ashura, are still shrouded in ambiguity. The issue of those who left the army of Imam Hossein (PBUH) on the night of Ashura, as well as those who joined them in the last moments, is the focus of the present study. The findings of the study clarify that the separation of Imam's companions was in Zobalah's house not on the night of Ashura. According to the reliable reports and narrations, it can be concluded that the companions of Imam, despite all the dangers, remained before Imam and were martyred on the day of event. Moreover, the historical reports illustrate that despite the existing difference of opinions on the night of Ashura, people from Kufa or from the army of Umar ibn Sa'd also joined Imam and were martyred.

**Keywords:** Imam Hossein (PBUH), Ashura, companions of Hossein, Zobalah, Kufa.

### Article Info:

**Article type:** Research Article

**Article history:** *Received* August, 23, 2021

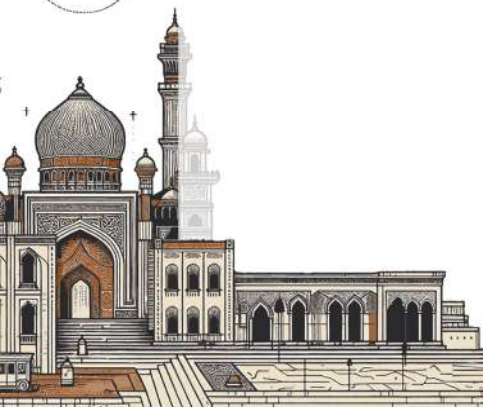
*Received in revised form* January, 18, 2022

*Accepted* February, 09, 2022

*Published online* December, 21, 2024

### Cite this article:

Hosseini, S. M. R. (2024). Review and Criticism of Reports of Individuals Leaving and Joining Imam Hossein (PBUH) on the Night of Ashura. *History of Islam*, 25(4), 7-36. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.61679.2196>



Bagher Al-Olum  
University



ISSN  
2783-414X



# دراسة ونقد تقارير انفصال الأشخاص وانضمامهم إلى الإمام الحسين عليه السلام في ليلة عاشوراء

سيد محمدرضا حسيني<sup>١</sup>

١. أستاذ مشارك في جامعة بيام نور، تاريخ وحضارة الأمة الإسلامية، قم، إيران. البريد الإلكتروني: Mreza\_hoseini@pnu.ac.ir

## الملخص:

يعتبر حدث عاشوراء من أهم الأحداث وأكثرها تأثيراً في تاريخ الإسلام. وعلى الرغم من الجهود العديدة التي بذلها الباحثون في قضية عاشوراء، إلا أن جوانب كثيرة من هذا الحدث، بما في ذلك أحداث ليلة عاشوراء، لا تزال غامضة. إن موضوع الذين انفصلوا عن جيش الإمام الحسين عليه السلام ليلة عاشوراء، وكذلك الذين انضموا إليهم في اللحظات الأخيرة قبل الحدث، هو محور البحث الحالي، والذي تم تناوله بالمنهج الوصفي والتحليلي. وتشير نتائج هذا البحث إلى أن الروايات التاريخية المتعلقة بانفصال بعض أصحاب الإمام عليه السلام كانت في منزل «زباله» وليس في ليلة عاشوراء. ويمكن القول وفقاً للتقارير والروايات الموثوقة: إن أصحابه عليه السلام رغم كل المخاطر لم يترك الإمام عليه السلام ليلة الحادثة واستشهدوا في يوم عاشوراء. كما تشير التقارير التاريخية إلى أنه على الرغم من خلافات الرأي الموجودة، إلا أنه في ليلة عاشوراء التحق أشخاص من الكوفة أو من معسكر عمر بن سعد إلى جيش الإمام عليه السلام واستشهدوا بجانبه عليه السلام.

الكلمات المفتاحية: الإمام الحسين عليه السلام، عاشوراء، أصحاب الحسين عليه السلام، منزل زباله، الكوفة.

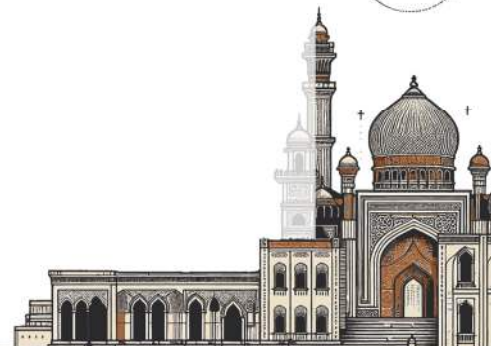
## معلومات المقالة:

نوع المقالة: بحثية

تاريخ الاستلام: ٢٠٢١/٠٨/٢٣ | تاريخ المراجعة: ٢٠٢٢/٠١/١٨ | تاريخ القبول: ٢٠٢٢/٠٢/٠٩ | تاريخ النشر: ٢٠٢٤/١٢/٢١

## استناداً إلى هذه المقالة:

حسيني، سيد محمدرضا (٢٠٢٤). دراسة ونقد تقارير انفصال الأشخاص وانضمامهم إلى الإمام الحسين عليه السلام في ليلة عاشوراء. تاريخ الإسلام. ٢٥ (٧-٣٦). <https://doi.org/10.22081/hq.2023.61679.2196>



باصدار جامعة بام نورا



ISSN إلكتروني  
٢٧٨٣-٤١٤٧

الناشر: جامعة باقر العلوم عليه السلام. © المؤلفون.



# بررسی و نقد گزارش‌های جدانشدن و پیوستن افراد به امام حسین علیه السلام در شب عاشورا

سید محمدرضا حسینی<sup>۱</sup>

۱. دانشیار دانشگاه پیام نور تاریخ و تمدن ملل اسلامی، قم، ایران. رایانامه: [Mreza\\_hoseini@pnu.ac.ir](mailto:Mreza_hoseini@pnu.ac.ir)

## چکیده:

واقعه عاشورا، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین وقایع تاریخ اسلام به شمار می‌رود. با وجود کوشش‌های پُرشمار عاشوراپژوهان، ابعاد متعدد این واقعه، از جمله حوادث و وقایع شب عاشورا، همچنان با ابهام همراه است. موضوع جدانشدگان از سپاه امام حسین علیه السلام در شب عاشورا و نیز پیوستگان افرادی به ایشان در آخرین لحظات پیش از واقعه، محور پژوهش حاضر است که با روش وصفی و تحلیلی بدان پرداخته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد گزارش‌های تاریخی مربوط به جدایی برخی یاران امام علیه السلام در منزل «زباله» بوده است، نه شب عاشورا. بنا بر گزارش‌ها و روایت‌های موثق می‌توان گفت: همراهان آن حضرت، با وجود همه خطرات، در شب واقعه باقی ماندند و در روز عاشورا در رکاب آن حضرت به شهادت رسیدند. همچنین، گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که به‌رغم اختلاف‌نظرهای موجود، در شب عاشورا افرادی نیز از کوفه یا از لشکرگاه عمر بن سعد به امام علیه السلام پیوستند و در رکاب ایشان به شهادت رسیدند.

واژه‌های کلیدی: امام حسین علیه السلام، عاشورا، اصحاب حسین علیه السلام، زباله، کوفه.

## اطلاعات مقاله:

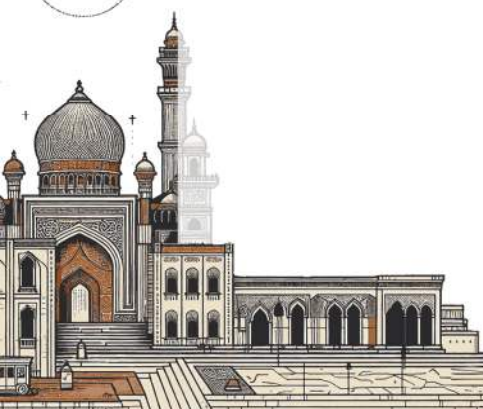
نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱



## استناد:

حسینی، سید محمدرضا (۱۴۰۳). بررسی و نقد گزارش‌های جدانشدن و پیوستن افراد به امام حسین علیه السلام در شب عاشورا. تاریخ اسلام، ۷-۳۶. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.61679.2196>





## مقدمه

گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد پس از مرگ معاویه (۴۰ق-۶۰ق) و سفر امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه، حضرت از هر فرصتی برای بیان رسالت الهی خود و هدف از مهاجرت و نشان‌دادن ماهیت وجودی یزید بن معاویه (۶۰ق-۶۴ق) استفاده می‌کرد. از یک سو، مردم را از برنامه و تکلیف الهی خویش آگاه می‌ساخت و از دیگر سو، وظایف مردم در برابر خلافت یزید را یادآور می‌شد. البته در این میان، با مخالفت‌ها یا با پیشنهادهایی از سر دلسوزی یا خباثت و دشمنی درونی مواجه می‌شد که در نهایت، به دلیل دعوت کوفیان، به سوی آنان حرکت کرد. در بین راه، افرادی به ایشان ملحق شدند. هنگامی که خبر شهادت مسلم بن عقیل (م ۶۰ق) و هانی بن عروه (م ۶۰ق) به امام حسین علیه السلام رسید، در خطبه‌ای به همراهان خود اعلام نمود:

«ای مردم! هرکس بر شمشیرزدن و نیزه‌زدن صبر دارد، بیاید؛

وگرنه از همین جا برگردد.»<sup>۱</sup>

از این رو، عده‌ای از حضرت جدا شدند.

گزارش‌های مربوط به جدانشدن برخی افراد از حضرت در شب واقعه، شهرت و رواج زیادی پیدا کرده است و چهره‌ای منفی از یارانی که بر اساس معرفت به امام خود، با وفا و جان‌نثار بودند، در ذهن‌ها ایجاد نمود که هدف عتاب و خطاب مردم و اسپین روزگار قرار گرفتند. بنابراین، بحث پیوستن افرادی به امام حسین علیه السلام در شب عاشورا نیز باید به صورت مبحثی مکمل بررسی شود. این پژوهش، در پی آن است که نخست با مطالعات کتابخانه‌ای، گزارش‌های مربوط به این بحث را شناسایی، بررسی و نقد کند و با رجوع به منابع و متون و نظریات موافق و مخالف در این خصوص، در حد توان به تصویری جامع و نزدیک به واقع از حوادث شب عاشورا دست یابد.

بررسی‌های نگارنده در خصوص پیشینه مطالعاتی که به صورت مشخص درباره جدایی یا عدم جدایی برخی همراهان امام حسین علیه السلام یا پیوستن به آن حضرت در شب عاشورا است، نشان می‌دهد که گزارش‌ها فقط به صورت نقل خبر، روایت شده و تاکنون به صورت مستقل

۱. «ایها الناس فمن كان منكم يصبر على حد السيف وطعن الاسنة فليقم معنا و الا فلينصرف عنا» (قندوزی، ینایع المودة، ص ۴۰۶).





بررسی نشده است. از این رو، هدف پرداختن به این دست از روایت‌های تاریخی و بررسی آن، به‌ویژه مرتبط با واقعه مهمی همچون عاشورا، پیشگیری از رواج خرافات، ایجاد فهم درست از وقایع تاریخی و افزایش بصیرت است.

## الف) روایت جداشدن افراد از امام حسین علیه السلام در شب عاشورا

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، با توجه به دریافتی که از وقایع داشت، به درستی می‌دانست در جنگی نابرابر قرار خواهد گرفت. از این رو، در صدد برآمد به یاران خود حق انتخاب سرنوشت دهد تا اگر به احتمال خیلی ضعیف، کسانی از یاران، در چنین شرایطی آمادگی پذیرش حضور نداشته باشند، با آزادی کامل از ایشان جدا شوند؛ زیرا حضرت نمی‌خواست افرادی برخلاف میل باطنی خود، ناگزیر از همراهی ایشان در نبرد روز عاشورا با سپاه اموی باشند. بر این اساس، به یاران خویش اختیار داد تا در صورت عدم تمایل، بدون هیچ‌گونه بحثی، راه خود را جدا کنند. البته پیش از این نیز هنگامی که آن حضرت خبر شهادت مسلم را در منزل «زباله» شنید، به اهل بادیه که در مسیر به آن حضرت پیوسته بودند، فرمود: «هر کدام از شما که قصد بازگشت دارد، برود که من بیعت خود را از او گرفتم.» پس، همگی رفتند و حسین علیه السلام ماند و اهل بیت و چند تن از یارانش.<sup>۱</sup>

در خصوص اعلان این تصمیم به یاران امام حسین علیه السلام و اصحابشان در منزل «زباله» و شب عاشورا، بحثی نیست و کاملاً با سیره امام علیه السلام از مدینه تا کربلا منطبق است؛ اما جداشدن افرادی از آن حضرت در شب عاشورا و گزارش‌ها و روایات مربوط به آن، می‌تواند موضوع بحث و نقد نظر باشد؛ به‌ویژه اینکه در این خصوص اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ در حالی که برخی بر این باور هستند که در شب عاشورا عده‌ای از سپاه امام حسین علیه السلام جدا شدند و گروهی دیگر معتقدند در آن شب، هیچ فردی، سپاه آن حضرت را ترک نکرده است. با بررسی مجموع روایت‌های مربوط به این مهم، می‌توان گفت که به‌طور کلی، شمار کمی از نویسندگان حادثه عاشورا بر این باورند که در شب عاشورا عده‌ای از سپاه امام علیه السلام جدا شدند.<sup>۲</sup> با این وصف، درستی یا نادرستی این دسته از گزارش‌ها، منوط به بررسی شأن و منشأ

۱. ابی‌مخنف، مقتل الحسين، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۹۱.

۲. فاضل دربندی، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، ج ۲، ص ۲۲۲؛ بهمانی، الدمعة الساکبة فی احوال النبی والعترة الطاهرة، ج ۴، ص ۲۷۱؛ حائری، معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ملبویی، الوقایع والحوادث، ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۳؛ جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۲۲۴.





صدور آن است؛ بدین معنا که اساساً این اخبار از چه کسی، در چه زمانی، چه مکانی و به چه دلیل صادر شده و راویان آن، چه کسانی هستند. به طور کلی، این خبر از ناحیه دو نفر صادر شده است و مورخان بر اساس دیدگاه آنان، آن را رواج داده‌اند.

### سند اول روایت جداشتن

در کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام که توسط محمدبن قاسم استرآبادی تدوین شد، در روایتی از امام علی بن حسین، ذیل تفسیر آیه ۳۴، از سوره بقره آمده است: «آنگاه که حسین علیه السلام و همراهانش به سبب لشکری که او را کشتند و سرش را بریدند، امتحان شد، حسین علیه السلام به لشکر خویش گفت: شما از بیعت من آزادید. پس، به قبیله‌ها و دوستان خود ملحق شوید و به اهل بیت خود فرمود: «به شما اجازه می‌دهم که از من جدا شوید؛ زیرا شما از نظر عده و نیرو، نمی‌توانید در برابر آنان مقاومت کنید و مقصود آنان، کسی جز من نیست. پس، مرا با این مردم واگذارید. خداوند به من کمک می‌کند و از نظر لطف خود محروم نمی‌سازد؛ چنان‌که نسبت به گذشتگان ما، نظر لطف داشته است.» پس، لشکرش از وی جدا شدند؛ ولی خانواده و خویشاوندان نزدیک او، از رفتن خودداری کردند و گفتند: «ما از تو جدا نمی‌شویم.»<sup>۱</sup>

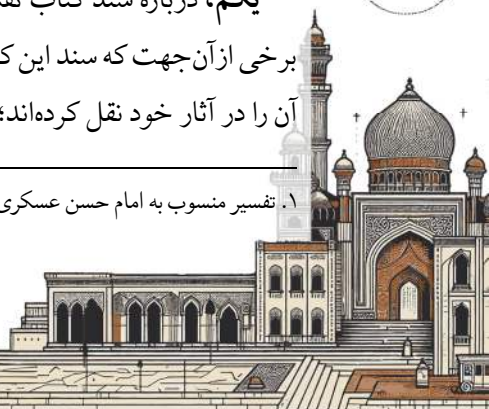
بر پایه این روایت، امام حسن عسکری علیه السلام جداشتن افرادی از سپاه امام حسین علیه السلام را گزارش می‌کند.

### بررسی سند و محتوا

تحلیل و بررسی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام و نیز شواهد موجود در کتاب‌های تاریخی، نمی‌تواند پژوهشگران و مورخان تاریخ را قانع سازد که درستی این فرضیه را بپذیرند؛ زیرا:

یکم، درباره سند کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام دو دیدگاه وجود دارد: برخی از آن جهت که سند این کتاب به امام علیه السلام را پذیرفتند، بدین جهت، بعضی از روایت‌های آن را در آثار خود نقل کرده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۱۹۲.





- شیخ صدوق (۳۸۱ق) در کتاب من لایحضره الفقیه، «باب تلبیه حج» می‌گوید:

«روی لی محمد بن القاسم الاسترآبادی عن یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن علی بن الحسین بن علی ابن ابیطالب عن ابیه عن آباءه عن امیرالمؤمنین علیه السلام، قال: قال: رسول الله صلی الله علیه و آله: لما بعث الله عزوجل موسی بن عمران... الحديث.»<sup>۲</sup>

- ایشان در کتاب‌های: توحید،<sup>۳</sup> امالی<sup>۴</sup> و عیون اخبار الرضا<sup>۵</sup> خود نیز روایاتی از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ذکر می‌کند و به تبع وی، طبرسی (۵۸۸ق) در احتجاج، روایتی از شیخ صدوق نقل می‌نماید:

«قال: حدثنی ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر الاسترآبادی، قال: حدثنی ابویعقوب یوسف بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن سيار وکانا من شیعة الامامیة... الحديث.»<sup>۶</sup>

- شهید ثانی (۹۶۵ق) در خصوص گفتار حضرت امام حسن عسکری علیه السلام درباره دانش می‌گوید:

«از تفسیر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نقل است که در ذیل آیه «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»<sup>۷</sup> فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعال درباره نیکویی به یتیمان، بسیار ترغیب نموده؛ زیرا آنها از پدران خود جدا گشته‌اند. کسی که آنان را نگهداری می‌کند، خدا را حفظ کرده و کسی که به آنها اکرام کند، خدا را گرامی داشته است.»<sup>۸</sup>

۱. نقل شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، به منزله تأیید است؛ زیرا وی در آغاز کتاب خود، ضمن اشاره به این نکته که آنچه در این اثر فراهم آمده، از نظر خودش صحیح است، بیان داشته که روایات کتاب را از متون معتبر و مشهور گرفته است (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳).  
 ۲. همان، ج ۲، ص ۲۱۱، ح ۹۶۷.  
 ۳. همو، توحید، ص ۴۷، ح ۹.  
 ۴. همو، امالی، مجلس سوم، ص ۶۱؛ همان، مجلس ۳۳، ص ۲۴۰.  
 ۵. همو، عیون اخبار الرضا، جزء ۱، باب ۲۸، ح ۳۰.  
 ۶. طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۴.  
 ۷. سوره بقره، آیه ۸۳.  
 ۸. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۱۹.



- مجلسی اول (۱۰۷۰ق) می گوید:

«روی لی محمدبن القاسم الاسترآبادی صاحب التفسیر المنسوب إلى امام أبي محمد عسكري عليه السلام و قد تقدم الخبر بطوله في باب القراءة...»<sup>۱</sup>

- حرّ عاملی (۱۱۰۴ق) می گوید:

«و نروی (تفسیر الامام) أبي محمد الحسن بن علی، العسكري عليه السلام...»<sup>۲</sup>

و سپس می گوید:

«و قد اعتمد عليه رئيس المحدثين ابن بابويه فنقل منه احاديث كثيرة في كتاب من لا يحضره الفقيه و في سائر كتبه و كذلك الطبرسي و غيرهما من علمائنا...»<sup>۳</sup>

- مجلسی دوم (۱۱۱۰ق) می گوید:

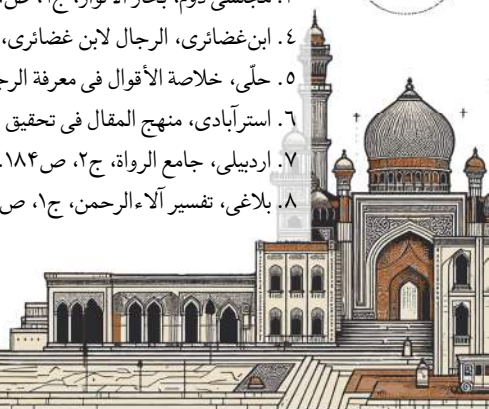
«و کتاب تفسیر الامام عليه السلام من الكتب المعروفة و اعتمد الصدوق عليه و أخذ منه و إن طعن فيه بعض المحدثين ولكن الصدوق رحمه الله، أعرف و أقرب عهداً ممن طعن فيه و قد روى عنه اكثر العلماء من غير غمز فيه.»<sup>۴</sup>

اما گروه دیگری از علمای بزرگ از قرن چهارم و ادوار بعد، در انتساب این تفسیر به امام حسن عسکری عليه السلام تشکیک کرده و آن را ضعیف دانسته اند؛ عالمانی همچون ابن غضائری (قبل از ۴۵۰ق) درباره محمدبن القاسم المفسر الاسترآبادی می گوید:

«روی عنه ابو جعفر بن بابويه؛ ضعيف، كذاب؛ روی عنه تفسیراً يرويها الرجلين مجهولين: احدهما يعرف بيوسف بن محمد بن زياد والآخر علي بن محمد بن يسار عن ابيهما عن ابوالحسن الثالث عليه السلام و التفسير موضوع عن سهل الديباجي عن ابيه بأحاديث من هذه المناكير.»<sup>۵</sup>

و به تبع وی، علامه حلی (۷۲۶ق)<sup>۶</sup> و استرآبادی (۱۰۲۸ق)<sup>۷</sup> و اردبیلی (بعد از ۱۱۰۰ق) نیز عین متن ابن غضائری را بیان کردند.<sup>۸</sup> بلاغی (۱۳۵۲ق)<sup>۹</sup> و خویی

۱. مجلسی اول، روضة المتقين، ج ۴، ص ۳۷۳.
۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۱۸۷.
۳. مجلسی دوم، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۸.
۴. ابن غضائری، الرجال لابن غضائری، ص ۱۴۸.
۵. حلی، خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ۲۵۶.
۶. استرآبادی، منهج المقال في تحقيق أحوال الرجال، ص ۳۱۵.
۷. اردبیلی، جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۸۴.
۸. بلاغی، تفسیر آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۴۹.







(۱۴۱۳ق) در خصوص محمدبن قاسم استرآبادی می‌گویند: او از مشایخ شیخ صدوق قدس سره بود. خویی می‌گوید:

«اقول هذا هو محمدبن القاسم المفسر الاسترآبادی الذی روی انه الصدوق کثیراً ففی بعض الموارد عبر عنه بمحمدبن القاسم الاسترآبادی كما تقدم و فی بعض الموارد عبر عنه... وصفه بالخطیب كما هو مذکور فی اول التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام».

ایشان در ادامه می‌گوید:

«هیچ‌یک از فقهای قدیم، حتی صدوق او را توثیق نکردند؛ کما اینکه هیچ‌یک از فقهای قدیم او را تضعیف نکردند، مگر ابن‌غضائری. ولی متأخرین مانند علامه و محقق داماد، او را تضعیف کردند؛ کما اینکه جماعتی از متأخرین دیگر او را توثیق نموده‌اند. اگرچه ایشان معتقد است فرد مجهول‌الحال، قابل توثیق و تضعیف نیست، ولی چهار دلیل برای ضعیف بودن محمدبن القاسم المفسر الاسترآبادی بیان می‌کند.»<sup>۱</sup>

ایشان علی‌بن محمدبن سیار<sup>۲</sup> و یوسف‌بن محمدبن زیاد<sup>۳</sup> را رجلین مجهولین می‌شناسد. باید توجه داشت که امام حسن عسکری علیه السلام، در سال ۲۶۰ق به شهادت رسید و تا بیش از صد سال پس از شهادت آن حضرت، نامی از تفسیر منسوب به امام علیه السلام در کتب معتبر مطرح نبوده است؛ بلکه همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، برای اولین بار، شیخ صدوق (م. ۳۸۱ق) در کتاب‌های: من لایحضره الفقیه<sup>۴</sup>، عیون اخبار الرضا، توحید<sup>۵</sup> و امالی، روایتی از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام بیان می‌کند.<sup>۶</sup> بنابراین، گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که درباره کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام از ابتدای طرح آن در قرن چهارم تا امروز، از سوی دانشمندان آرای متناقض و متعارضی صادر شده است. از این‌رو، بنا بر رویه اندیشه تاریخی، استدلال بر اساس نقل تاریخی در تفسیر مذکور و بدون توجه به گزارش‌های منابع دیگر، نمی‌تواند واقع‌گرایانه باشد.

۱. ر.ک: خویی، معجم الرجال ج ۱۷، ص ۱۵۵-۱۵۸، ش ۱۱۵۸۶.
۲. ر.ک: همان: ج ۱۲، ص ۱۴۷، ش ۸۴۲۹.
۳. ر.ک: همان: ج ۲۰، ص ۱۷۵، ش ۱۳۸۰۹.
۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۷.
۵. همو، توحید، ص ۴۷، ح ۹.
۶. همو، امالی، مجلس ۳، ص ۶۱؛ همان، مجلس ۳۳، ص ۲۴۰.





دوم، در کنار تحلیل‌های فوق، خبر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، زمانی درست است که مراد بازگشت بعضی از همراهان امام علیه السلام در منزل «زباله» باشد؛ در این صورت است که این نظریه با گزارش‌های منابع تاریخی نیز مطابقت دارد؛ ولی از خبر تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام که «خانواده و خویشاوندان نزدیک او از رفتن خودداری کردند»، این تصور پیش می‌آید که تنها خانواده امام حسین علیه السلام در کنار او باقی ماندند و فقط همان‌ها در روز عاشورا جنگیدند و به شهادت رسیدند. این تبادر ذهنی، با نظریه جدایی برخی از افراد در منزل «زباله» سازگار نیست؛ زیرا بر اساس گزارش‌های تاریخی، تعداد سپاهیان امام علیه السلام، اعم از مردان اهل بیت علیهم السلام و دیگر یاران که در شب عاشورا کنار امام علیه السلام حضور داشتند، ۷۲ نفر بوده‌اند که ۳۲ نفر سواره‌نظام، و ۴۰ نفر پیاده‌نظام بودند؛<sup>۱</sup> اما با توجه به گزارش‌های موجود درباره اسامی و آمار شهدای کربلا، می‌توان گفت: تعداد افراد سپاه امام علیه السلام، بیش از این بوده است. بر این اساس، ابن شهر آشوب (۵۸۸ق) افراد امام حسین علیه السلام را ۸۲ نفر ذکر کرده است.<sup>۲</sup> برخی دیگر تا ۱۴۵ نفر نام آوردند<sup>۳</sup> که تعدادی از آنها از افرادی بودند که به مرور زمان تا شب و صبح روز عاشورا به سپاه امام علیه السلام ملحق شدند.

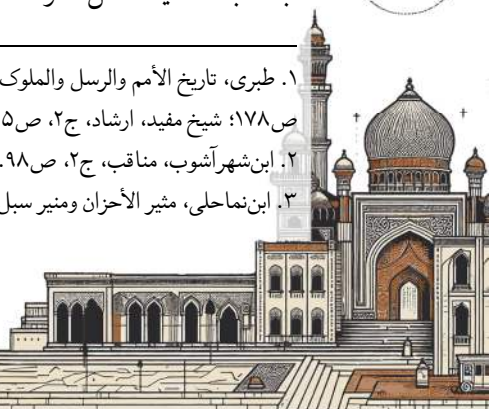
در خبری که در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، نامی از شب عاشورا و یا سرزمین کربلا وجود ندارد، پس چگونه برخی از مورخان آن را برای شب عاشورا بیان می‌کنند. این امر، خود جای بسی تعجب و تأمل دارد.

### سند دوم روایت جداشدن

برخی از منابع تاریخی، در خصوص جداشدن کسانی از لشکر امام حسین علیه السلام، به سخنان سکینه دختر امام حسین علیه السلام استناد کردند و برای نخستین بار ابواسحاق اسفراینی (۴۱۸ق) مؤلف کتاب نور العین فی مشهد الحسین، این خبر را از جناب سکینه نقل کرده است. حائری (۱۳۸۵ق) صاحب معالی السبطين این



۱. طبری، تاریخ الأمم والرسول والملوک، ج ۲، ص ۴۲۲؛ دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۵۶؛ ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۱۷۸؛ شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۹۵.  
 ۲. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۹۸.  
 ۳. ابن نماحلی، مثير الأحزان ومثير سبل الأشجان، ص ۵۴؛ ابن طاووس، اللهوف، ص ۱۵۸.





خبر را به نقل از ایقاد القلوب سید محمدعلی شاه‌عبدالعظیمی (م. ۱۳۳۴ق) و او نیز از کتاب نور العین فی مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ ابراهیم‌بن محمد اسفراینی، مشهور به ابواسحاق اسفراینی (م. ۴۱۸ق) از قول حضرت سکینه چنین نقل کرد که:

«افراد امام علیه السلام به صورت دسته‌های ده‌تایی و بیست‌تایی، سپاه را ترک کرده‌اند که در پایان، سکینه آنها را نفرین کرده است.»<sup>۱</sup>

در حالی که برخی مانند آقابزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ق)، کتاب نور العین فی مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ را به فقیه شافعی، ابراهیم‌بن محمد اسفراینی، مشهور به ابواسحاق اسفراینی (م. ۴۱۸ق) نسبت داده‌اند.<sup>۲</sup> برخی مانند آخوند ملاآقابن عابدبن رمضان علی‌بن زاهد شروانی (م. ۱۲۸۶ق)، معروف به فاضل دربندی، و محمدباقر بن عبدالکریم دهدشتی بهبهانی (م. ۱۲۸۵ق) و برخی متأخران نیز در کتاب‌های خود با استناد به سخنان گفته‌شده منسوب به جناب سکینه، چنین نقل کرده‌اند که تعدادی از یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا کربلا را ترک کردند.<sup>۳</sup> بی‌تردید، دلیل قائلان به جدانشدن کسانی از لشکر امام حسین علیه السلام نیز قابل بحث و بررسی است.

## بررسی و نقد سند دوم

اولاً، بررسی و تحلیل گزارش‌های پیش‌گفته نشان می‌دهد اگرچه نقل مذکور در کتاب نور العین فی مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ به‌عنوان نخستین منبع دیده نشده است؛ با این اوصاف، باید توجه داشت که مقتل اسفراینی (م. ۴۱۸ق)، از کتب بسیار ضعیف و غیرقابل اعتماد دانسته شده است.<sup>۴</sup> سید عبدالعزیز طباطبایی (م. ۱۳۷۴ش) درباره این کتاب نیز چنین می‌نویسد:

«من احتمال می‌دهم که این کتاب، ساختگی و منتسب به اسفراینی (م. ۴۱۸ق)

است؛ چون اسلوب آن، با آثار قلمی قرن چهارم سازگار نیست.»<sup>۵</sup>

۱. حائری، معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۰.

۲. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۱۷، ص ۷۲ و ۷۳.

۳. فاضل دربندی، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، ج ۲، ص ۲۲۲؛ ملبویی، الوقایع والحوادث، ج ۲، ص ۱۸۳؛ حائری، معالی السبطين، ج ۲، ص ۶۲.

۴. قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء، ص ۳۲.

۵. طباطبایی، أهل البيت فی المكتبة العربية، ص ۶۵۵.





با وجود اینکه کتاب مذکور با وجود آنکه مجهول المؤلف و نامعتبر است، منبع نوشته‌های نویسندگان متأخر قرار گرفته که سخن حضرت سکینه را نقل کرده است. بنابراین، از نظر اعتبار و ارزش علمی نیز اوضاعی همانند نور العین فی مشهد الحسین دارد. برخی مطالب و روایات ضعیف و گاه بی‌پایه در این کتاب وجود دارد که از اعتبار علمی آن کاسته است. محسن امین (م. ۱۳۷۱ق) درباره فاضل دربندی (م. ۱۲۸۶ق) مؤلف کتاب اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات می‌گوید:

«فی الجملة، او در آثار نقلی‌اش روایات نامعتبر زیادی را ذکر کرده؛ بلکه چیزهایی را آورده که عقل آن را نمی‌پذیرد و روایات نیز آن را تصدیق نمی‌کند. خداوند با کرمش از ما و او درگذرد.»<sup>۱</sup>

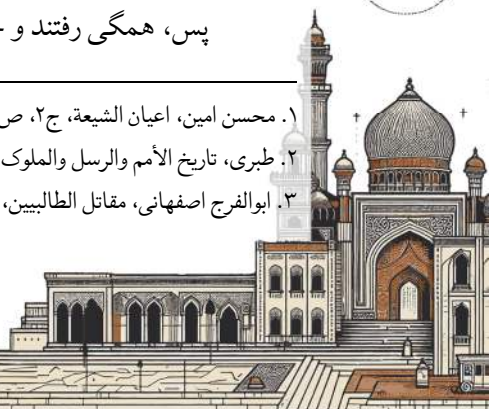
درحالی‌که این روایت ضعیف، نمی‌تواند در برابر روایت‌های معتبر مورد اعتنا قرار گیرد؛ به‌ویژه آنکه این گزارش جعلی، با سخنان خاندان و اصحاب امام علیه السلام در شب عاشورا و نیز عبارت مشهور آن حضرت در مدح یاران و تعداد یاران و شهدا کربلا، تنافی و تعارض دارد. ثانیاً، علاوه بر نکته‌های فوق، با نگاه به گزارش‌های تاریخی دلایل دیگری مبنی بر صحیح نبودن ترک امام حسین علیه السلام از سوی یاران آن حضرت در کربلا و شب عاشورا وجود دارد:

۱. بنا بر گزارش طبری (م. ۳۱۰ق) از بکر بن مصعب مُزنی، امام حسین علیه السلام به هیچ آبگاهی نمی‌رسید، مگر آنکه مردم آنجا به دنبال وی می‌آمدند، تا به منزل «زباله» رسید و از کشته‌شدن برادر شیری خود، عبدالله بن یقطر،<sup>۲</sup> و مسلم بن عقیل آگاه شد. ابوالفرج به نقل از ابی مخنف می‌گوید: «امام علیه السلام با شنیدن شهادت مسلم، جمله استرجاع (إنا لله و إنا إليه راجعون) را بر زبان جاری ساخت و فرزندان عقیل گفتند: به خدا قسم، هرگز بازنگردیم تا انتقام خونمان را بگیریم یا همگی کشته شویم. در اینجا بود که امام حسین علیه السلام به اهل بادیه که در مسیر به آن حضرت پیوسته بودند، فرمود: هر کدام از شما که قصد بازگشت دارد، برود که من بیعت خود را از او گسستم. پس، همگی رفتند و حسین علیه السلام ماند و اهل بیت علیهم السلام و چند تن از یارانش.»<sup>۳</sup>

۱. محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۸۷-۸۸.

۲. طبری، تاریخ الأمم والرسل والملوک، ج ۷، ص ۲۹۸۶.

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۹۱.





ابی مخنف (م. ۱۵۷ق) می‌گوید: «حضرت برای خطابه ایستاد و با صدای بلند فرمود: ای مردم! مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را کشته‌اند و شیعیان ما (کوفیان)، خوارمان کرده‌اند. هرکس بر شمشیر زدن و نیزه زدن صبر دارد، بیاید؛ وگرنه از همین جا برگردد که من بر او حقی ندارم. همه ساکت شدند و یکی یکی به چپ و راست متفرق شدند؛ تا آنکه جز اهل بیت علیهم السلام و دوستانش، کسی نزد او نماند. اینها هفتاد و چند نفر بودند که از مکه همراه حضرت خارج شدند.»

ابی مخنف (م. ۱۵۷ق) در ادامه می‌گوید: «این خطبه حضرت بدین جهت بود که می‌دانست مردم تابع نبوده‌اند؛ مگر به خیال اینکه عراق مال حضرت است و در اختیار اوست. از این‌رو، دوست نداشت همراه او بیایند؛ مگر آنکه بدانند به استقبال چه می‌روند.»<sup>۱</sup>

۲. گزارش مذکور را ابن سعد<sup>۲</sup> (م. ۲۳۰ق)، دینوری<sup>۳</sup> (م. ۲۸۲ق)، ابن اعثم کوفی<sup>۴</sup> (م. ۳۲۰ق)، شیخ مفید<sup>۵</sup> (م. ۴۱۳ق)، طبرسی<sup>۶</sup> (م. ۵۴۸ق) و خوارزمی<sup>۷</sup> (م. ۵۶۷ق) با کمی تفاوت با گفته طبری (م. ۳۱۰ق)، به نقل از بکر بن مصعب و هشام<sup>۸</sup> بیان کرده‌اند.

۳. همان‌طور که از فحوای همه این گزارش‌ها برمی‌آید، این خبر مربوط به منزل «زباله» است که پیش از رسیدن امام علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و یارانش به سرزمین کربلا اتفاق افتاده است و حضرت از آن پس، مسیر حرکت خود را تغییر داد و پس از طی منازل، در روز پنجشنبه دوم محرم به کربلا رسید و قطعاً نمی‌توان جدایی یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا را از آن استنباط کرد.

۱. ابی مخنف، مقتل الحسین، ص ۱۹۳-۱۹۴.  
 ۲. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۹۵.  
 ۳. دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۴۷.  
 ۴. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۴۴.  
 ۵. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۷۵.  
 ۶. طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۴۷.  
 ۷. خوارزمی، مقتل، ج ۱، ص ۲۰۳.  
 ۸. طبری، تاریخ الأمم والرسل والملوک، ج ۷، ص ۲۹۸۷.





در گزارش‌های تاریخی، تنها از ضحاک بن عبدالله مشرقی در قامت یگانه کسی که بعد از نماز ظهر عاشورا، کربلا را ترک کرده است، یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

۴. در متون و مدارک معتبر تاریخی بحثی درباره ترک کردن امام حسین علیه السلام از سوی برخی همراهانشان در شب عاشورا وجود ندارد و تنها در کتب متأخران مانند معالی السبطين<sup>۲</sup>، الوقایع والحوادث<sup>۳</sup> و تشیع در مسیر تاریخ<sup>۴</sup>، به این مهم اشاره شده است. بر اساس گزارش‌های متعدد و معتبر، امام حسین علیه السلام در پایان سخنان خویش، خطاب به یارانش در شب عاشورا فرمود: «از تاریکی شب استفاده کنید و به هر کجا می‌خواهید، بروید.» در این منابع، نه تنها سخنی از جدانشدن اصحاب آن حضرت وجود ندارد، بلکه گزارش‌های فراوانی وجود دارد که یاران ایشان ضمن اعلان وفاداری و جان‌نثاری، تأکید کردند که همراهی و شهادت در کنار حضرت را بر زندگی در دنیا ترجیح می‌دهند.<sup>۵</sup>

۵. افزون بر موارد یادشده، شواهدی در بیانات امام حسین علیه السلام در خصوص یارانشان وجود دارد که می‌تواند معیاری برای ارزیابی اخبار و گزارش‌های مربوط به جدانشدن افرادی از آن حضرت در شب عاشورا باشد. این جمله معروف از امام علیه السلام درباره اصحاب و یاران باوفای خود که: «من یارانی برتر و بهتر از یاران خود نمی‌شناسم و همین‌طور خاندانی را نیکوکارتر و مفیدتر به صله رحم از خاندان خود نمی‌دانم»<sup>۶</sup> و از آنان به جهت حمایت جانانه از امام علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام تشکر کرد، می‌تواند در

۱. همان، ص ۳۰۵.

۲. حایری، معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳. ملبویی، الوقایع والحوادث، ج ۲، ص ۱۸۳.

۴. جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۲۲۴.

۵. ابی‌مخنف، مقتل الحسين، ص ۲۲۷؛ ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۶۶؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۹۳؛ یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۲۴۴؛ طبری، تاریخ الأمم و الرسل و الملوک، ج ۷، ص ۳۰۱۴-۳۰۱۶؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ صدوق، امالی، ص ۲۲۰-۲۳۹؛ مفید، ارشاد، ص ۲۱۳؛ مسکویه، تجارب الأمم، ج ۲، ص ۶۶؛ ر.ک: فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰۳.

۶. «فانی لا أعلم أصحاباً أولى و لاخیراً من أصحابی و لا أهل بیت أبز و لا أوصل من أهل بیتی» (ابی‌مخنف، مقتل الحسين، ص ۲۲۷؛ ر.ک: ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۹۹؛ طبری، تاریخ، ج ۷، ص ۳۰۱۴؛ مفید، الإرشاد، ص ۴۴۲؛ ابن‌مسکویه، تجارب الأمم، ج ۲، ص ۶۶)





این زمینه گواه مناسبی باشد. علاوه بر این، باید توجه داشت جمله امام علیه السلام که فرمود: «وقد خذلتنا شیعتنا»، تنها یک بار و آن هم در منزل «زباله» و پس از رسیدن خبر شهادت هانی بن عروه، مسلم بن عقیل، عبدالله بن یقظر و شکستن بیعت توسط کوفیان بیان شده است و هیچ‌یک از روایات واقعه عاشورا، این سخن را در شب عاشورا گزارش نکردند؛ ضمن اینکه باید توجه داشت این سخن، با ماهیت خبر شهادت و بیعت شکستن کوفیان مطابقت دارد.

به نظر نویسنده این سطور، چنین برداشتی، ناشی از شباهت بیانات امام حسین علیه السلام در منزل «زباله» با صحبت‌های ایشان در شب عاشوراست و در منزل «زباله» عده‌ای از همراهان، از آن حضرت جدا شدند. البته در همان منزل «زباله»، افرادی مانند مجمع بن عبدالله عاندی و دیگران در روزهای پس از فرود امام علیه السلام در سرزمین کربلا تا شب وروز عاشورا، به حضرت پیوستند.<sup>۱</sup> پس می‌توان گفت: گزارش قابل اعتنا و اعتباری در منابع تاریخی و حتی غیرتاریخی در خصوص جدایی کسانی از امام علیه السلام در شب عاشورا وجود ندارد؛ بلکه منابع متقدم، بیشتر بر این مهم تأکید دارند که هریک از اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و یاران آن حضرت، پس از شنیدن سخنان ایشان در شب عاشورا، از جای برخاستند و خطبه‌ای که نشانه اوج وفاداری ایشان به امام حسین علیه السلام بود، خواندند و در همان شب، برای بار دوم نیز برای اطمینان و آرامش دل حضرت زینب علیه السلام و اهل بیت، نزد آنان رفتند و اظهار وفاداری کردند.<sup>۲</sup>

نکته دیگری که در این خصوص می‌توان گفت، اینکه امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیه السلام، سخنان امام حسین علیه السلام در شب عاشورا را که در جمع اهل بیت علیهم السلام و اصحاب بیان فرمود، شنیدند و آن را نقل کردند؛ اما از رفتن افراد و جداشدن یاران امام علیه السلام حتی زنان، از سپاه حضرت در شب عاشورا هیچ سخنی نگفتند. اگر حتی یک نفر، سپاه امام علیه السلام را ترک کرده بود، حتماً آن را بیان می‌کردند. شیخ شمس‌الدین می‌گوید: یاران امام حسین علیه السلام دو بار مورد آزمایش قرار گرفتند که در هر دو بار، سرافراز بیرون آمدند؛ یکی هنگامی که نیروهای عمر بن سعید بن عاص، امیر مکه به فرماندهی یحیی بن سعید، مانع ادامه مسیر امام علیه السلام شدند

۱. ر.ک: ابن طاووس، اللهوف، ص ۱۵۴.

۲. حائری، معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۱۰.





و راه بر او بستند و دستور امیر مبنی بر برگشتن اعلام کردند؛ اما حضرت امتناع ورزید. دو گروه حالت تدافعی گرفتند و با تازیانه به ضرب و شتم هم پرداختند. امیر مکه برای جلوگیری از وخامت اوضاع، دستور عقب‌نشینی داد؛ ولی یاران امام علیه السلام سرسختانه مقاومت کردند. مرحله دوم هم شب عاشورا بود.<sup>۱</sup>

## ب) روایت پیوستن افرادی به امام حسین علیه السلام در شب عاشورا

بحث مهم دیگری که در خصوص حوادث و رویدادهای پیش از روز عاشورا می‌تواند مطرح شود، پیوستن برخی افراد به آن حضرت است؛ مبحثی که به همان اندازه که جدایی افراد از آن حضرت در شب واقعه می‌تواند حایز اهمیت دانسته شود، پیوستن برخی افراد نیز از اهمیت برخوردار است. برخی از مورخان بر این باورند هنگامی که عمر بن سعد، پیش‌نهادهای حسین بن علی علیه السلام را نپذیرفت، افرادی از لشکر یزید یا حتی از کوفه، در شب عاشورا به سپاه آن حضرت ملحق شده‌اند. دلایل و شواهدی در اثبات این ادعا ارائه کرده‌اند که قابل تأمل و توجه است.

### سند روایت پیوستن افراد

اولین گزارش اصل پیوستن گروهی از یاران عمر بن سعد به امام حسین علیه السلام، بدون ذکر نام را مورخ متقدم، ابن سعد (م. ۲۳۰ق)<sup>۲</sup> ارائه کرده و بعد از او، ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق) در الإمامة والسیاسة<sup>۳</sup> و پس از او، ابن عبدربه (م. ۳۲۸ق) در العقد الفرید.<sup>۴</sup> تقریباً همان متن ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق) را گزارش کرده‌اند و حتی تعداد آنها را سی نفر بیان داشته‌اند و از آن پس، ابن عساکر (م. ۵۷۱ق) در تاریخ دمشق،<sup>۵</sup> سیدین طاووس (م. ۶۶۴ق) در اللهوف،<sup>۶</sup> ابن نما

۱. شیخ شمس‌الدین، انصار الحسین، ص ۴۲.

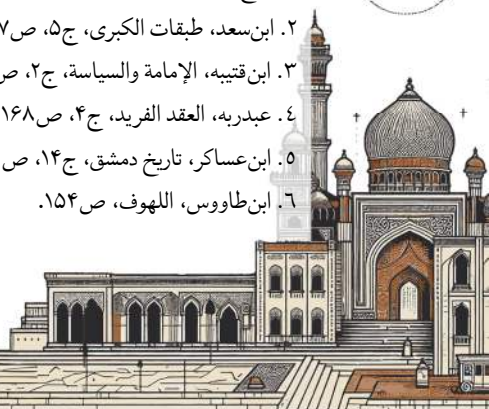
۲. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۹۷؛ همان، ج ۶، ص ۴۶۳.

۳. ابن قتیبه، الإمامة والسیاسة، ج ۲، ص ۱۲.

۴. عبدربه، العقد الفرید، ج ۴، ص ۱۶۸.

۵. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۲۲۰.

۶. ابن طاووس، اللهوف، ص ۱۵۴.







(م. ۶۸۰ق) در مثیر الأحران و منیر سبل الأشجان،<sup>۱</sup> و ذهبی (م. ۷۴۸ق) در تاریخ الاسلام و سیرالاعلام النبلاء<sup>۲</sup> نیز از آن دو گرفته و تعداد آنها را سی نفر گزارش کرده‌اند و نویسندگان متأخر مانند محسن امین (م. ۱۳۷۱ق) در اعیان الشیعة<sup>۳</sup> و مُقَرَّم (م. ۱۳۹۱ق) در مقتل الحسین<sup>۴</sup> نیز به نقل از آنها گزارش کرده‌اند. اگرچه ابن سعد (م. ۲۳۰ق)، ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق)، طبری (م. ۳۱۰ق) و دیگر مورخان که گزارش ۳۰ نفر را ذکر کرده‌اند، به پیوستن این افراد در شب عاشورا تصریح نکرده‌اند، ولی گزارش‌ها نشان می‌دهد که پیوستن آنها مربوط به پس از دیدار عمر بن سعد با امام حسین علیه السلام در شب عاشورا<sup>۵</sup> بوده است؛ زیرا در گزارش‌ها گفته شده:

«بعرض علیکم این بنت رسول الله صلی الله علیه و آله ثلاث خصال لا تقبلون واحدة منها؟ فتحوّلوا مع الحسین علیه السلام فقاتلوا.»

این متن، گویای آن است که این افراد در مقام اعتراض به عمر بن سعد، به جهت عدم پذیرش حتی یکی از پیشنهادها، به حضرت پیوستند.

### انکار پیوستن افرادی در شب عاشورا به سپاه امام حسین علیه السلام

برخی با وجود گزارش‌های مختلف در خصوص پیوستن افرادی از لشکر عمر بن سعد و یا از کوفه به سپاه امام حسین علیه السلام، منکر پیوستن این افراد شدند و در این باره دلایلی را نیز بیان داشتند که به آن اشاره می‌شود.

### دلایل منکران پیوستن

اول، اینکه اگر چنین بود، به علت اهمیت آن، می‌بایست توسط رایان متعدد گزارش و در منابع تاریخی بیشتری نقل می‌شد؛ در حالی که این گزارش، محدود به دو یا سه منبعی است که نویسندگان متأخر نیز به نقل از آنها گزارش دادند.

بنابراین، نپرداختن مورخان به موضوع پیوستن افرادی به سپاه حضرت، به معنای نیافتن یا ندیدن مدرک و سند معتبر است و حتی برخی چنین پنداشتند که گزارش ابن سعد (م. ۲۳۰ق)

۱. ابن نما، مثیر الأحران و منیر سبل الأشجان، ص ۳۲ یا ۳۸.

۲. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۲۱۰؛ همو، سیرالاعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۱۱.

۳. محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۴، قسم اول، ص ۱۱۰.

۴. مُقَرَّم، مقتل الحسین، ص ۲۶۰.

۵. طبری، تاریخ الرسل والملوک، ج ۵، ص ۴۱۳-۴۱۴.





در الطبقات الکبری درباره پیوستن ۲۰ نفر به امام، خالی از غرض‌ورزی و به گمان خود، کاستن مظلومیت امام حسین علیه السلام نباشد.<sup>۱</sup>

**دوم**، با پیوستن گروه ۲۰ یا ۳۰ نفره و یا بیشتر در شب عاشورا، می‌بایستی قدرت سپاه امام علیه السلام بیش از پیش افزایش می‌یافت و تأثیر بزرگی در صحنه نظامی می‌گذاشت و آثار آن، در جنگ روز عاشورا ظهور و بروز می‌داشت؛<sup>۲</sup> اما همچنان‌که پیش از این گفته شد، نشانه‌هایی از آن در گزارش‌های کتب تاریخی و مقاتل به چشم نمی‌خورد.

**سوم**، اگر افرادی در آن شب به سپاه امام علیه السلام ملحق شده باشند، چون افراد حضرت که در روز عاشورا به شهادت رسیدند، نامشان ثبت و ضبط شده است، پس چگونه نام افراد ملحق شده و یا حداقل برخی از آنها در میان نام شهدای کربلا دیده نمی‌شود یا درباره هیچ‌یک از این ۳۰ نفر، گزارش ثبت‌شده‌ای وجود ندارد! **مُقَرَّم**، پیوستن این گروه را از تاریخ یعقوبی نقل کرده است؛<sup>۳</sup> در حالی‌که چنین گزارش و مطلبی، در تاریخ یعقوبی وجود ندارد. پس، نمی‌توان پذیرفت که افرادی در آن شب به آن حضرت پیوسته باشند و یا حداقل این دیدگاه، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

### بررسی و نقد دلایل منکران پیوستن

**اولاً**، نقل مطلبی در یک و یا دو منبع تاریخی، لزوماً به معنای ضعیف و یا کم‌اهمیت بودن آن مطلب نمی‌باشد.

**ثانیاً**، اسامی برخی از این افراد که نامشان در میان ملحق‌شدگان در شب عاشورا به سپاه امام علیه السلام آورده شده است، در بین اسامی شهدای کربلا وجود دارد؛<sup>۴</sup> از جمله: عبدالله بن عمیر بن حباب کلبی،<sup>۵</sup> صرغامه بن مالک تغلبی،<sup>۶</sup> حُلاس بن عمرو راسبی و زُهی‌ترین سُلیم آزدی<sup>۷</sup> را می‌توان یاد کرد.

۱. ر.ک: پیشوایی، سیره پیشوایان، ج ۱، ص ۷۲۷.
۲. شمس‌الدین، انصار الحسین، ص ۵۹-۶۰.
۳. مُقَرَّم، مقتل الحسین، ص ۲۱۷.
۴. ری شهری، امام حسین، ج ۷، ص ۲۸۷-۲۹۱.
۵. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۹۸.
۶. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۱۳.
۷. همان.





البته اگرچه نام عبدالله بن بشر حَنَعَمِي،<sup>۱</sup> حارث بن امرء القیس کندی،<sup>۲</sup> جُوین بن مالک تمیمی و نعمان بن عمرو راسبی، در میان ملحق شدگان در شب عاشورا به سپاه امام علیه السلام آورده شده است و در کتب کهن و معتبر به عنوان شهدای کربلا ذکر نشده و محل تردید است، ولی در هر دو تابلوی شهدا که در بالا و نزدیک ضریح مطهر نصب شده، وجود دارد.<sup>۳</sup>

**ثالثاً**، اگر پذیرفته شود که افراد ملحق شده به سپاه امام سی نفر بوده‌اند، این تعداد نفرات، در برابر افراد عمر بن سعد که حداقل ۴ هزار نفر گزارش کرده‌اند، چه اثر فوق‌العاده‌ای می‌توانست در صحنه نظامی داشته باشند که در جنگ روز عاشورا ظهور و بروز پیدا کند.

**رابعاً**، برخی منکران پیوستن افراد به امام حسین علیه السلام، با وجود مخالفت، نام برخی از افرادی را که به سپاه امام حسین علیه السلام پیوستند، ذکر کردند.<sup>۴</sup> برخی دیگر نیز ضمن اینکه به «این گزارش به دید شک و تردید می‌نگرند»،<sup>۵</sup> در جاهای دیگر به آن اذعان دارند<sup>۶</sup> که این امر، گویای پذیرش واقعیت گزارش‌های پیوستن افراد به امام حسین علیه السلام در شب عاشورا است.

ابن‌نما حلی (م. ۶۴۵ق) بدون ذکر تعداد ملحق شدگان، نوشته است: «گروهی از اصحاب ابن‌سعد، نزد آنها آمدند.»<sup>۷</sup> بنا بر گزارش ابن‌طاووس (م. ۶۶۴ق)، «در آن شب، ۳۲ نفر از لشکر عمر بن سعد به سوی سپاه امام حسین علیه السلام از موانع عبور کردند.»<sup>۸</sup>

نویسنده کتاب انصار الحسین در سه جای کتابش، به ملحق شدن افرادی به سپاه امام حسین علیه السلام و حتی با قید «از سپاه عمر بن سعد» اشاره کرده است؛<sup>۹</sup> ولی در آخر، تعداد ۳۲ نفر ملحق شدگان را نمی‌پذیرد و آن را به نقد می‌کشد؛ اما کلیت آن را قبول دارد.<sup>۱۰</sup> اگرچه منابع

۱. همان.

۲. امالی، شجری، ج ۱، ص ۱۷۲.

۳. صالحی حاجی‌آبادی، طعنه رقیب یا خطای تاریخ، ص ۱۶۴.

۴. پیشوایی، سیره پیشوایان، ج ۱، ص ۷۲۷.

۵. شمس‌الدین، انصار الحسین، ص ۶۰.

۶. همان، ص ۴۶ و ۵۳.

۷. «فجاء اليهم جماعة من اصحاب عمر بن سعد» (ابن‌نما، مثير الأحران ومنير سبل الأشجان، ص ۵۲).

۸. «فغبر اليهم في تلك الليلة من عسكر عمر بن سعد اثنان وثلاثون رجلاً» (ابن‌طاووس، لهوف، ص ۱۵۴).

۹. شمس‌الدین، انصار الحسین، ص ۴۶، ۵۳ و ۵۷.

۱۰. همان، ص ۵۹.





یادشده مربوط به قرن هفتم است، ولی به‌عنوان مؤید می‌باشد. با توجه به مطالب پیش‌گفته، نظریات و دلایل بیان‌شده در انکار پیوستن ۲۰ یا ۳۰ نفر یا بیشتر از لشکر عمر بن سعد یا از کوفه به سپاه امام حسین علیه السلام، بسیار ضعیف است.

### شواهد پیوستن افراد به امام علیه السلام

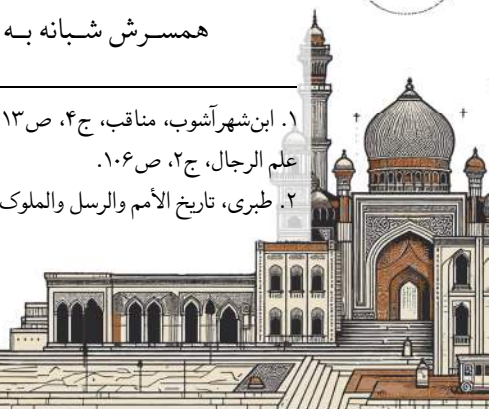
شواهد زیادی درباره پیوستن عده‌ای به سپاه امام حسین علیه السلام وجود دارد. اگرچه تفاوت‌هایی در خصوص تعداد افراد، زمان پیوستن، انگیزه آنها و چگونگی پیوستن این افراد به امام حسین علیه السلام وجود دارد، ولی تردیدی در کلیت این مهم که تعدادی در شب عاشورا به سپاه حضرت پیوستند، وجود ندارد. بنا بر اطلاعات موجود در منابع، این تفاوت‌ها می‌توانند در دو گروه که تنها در شب عاشورا به حضرت ملحق شدند، وجود داشته باشد:

۱. گروهی که از آغاز، قصد پیوستن به آن حضرت را داشتند؛ ولی با توجه به مسدود بودن راه کربلا، به‌ناچار به همراه سپاه عمر بن سعد و یا به همراه لشکر شمر، از کوفه خارج شده و در شب عاشورا به حضرت پیوستند؛ از آن جمله، می‌توان به: **صُرغامه بن مالک تغلیبی**<sup>۱</sup>، **عبدالله بن عمیر کلبی** و همسرش ام‌وهب<sup>۲</sup> اشاره کرد. ابوجناب کلبی در این باره می‌گوید:

«عبدالله پسر عمیر از بنی‌علیم، جماعتی را دید که در نخيله سان می‌بینند تا برای پیکار با حسین علیه السلام روانه شوند. عبدالله گفت: امیدوارم ثواب پیکار با اینان که به جنگ پسر دختر پیغمبرشان می‌روند، نزد خداوند بیشتر از ثواب پیکار با مشرکان باشد. او قصد خود را با همسرش که از تیره نمر بن قاسط، به نام ام‌وهب دختر عبد بود، در میان گذاشت. همسرش گفت: «کار صواب است. مرا نیز همراه خویش ببر.» عبدالله بن عمیر با همسرش شبانه به راه افتادند تا به حسین علیه السلام ملحق شدند. هنگامی که



۱. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۱۳؛ سماوی، ابصار العین فی انصار الحسین، ص ۱۱۴؛ مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲، ص ۱۰۶.  
 ۲. طبری، تاریخ الأمم والرسل والملوک، ج ۷، ص ۳۰۲۹.





لشکر ابن سعد جنگ تن به تن آغاز کرد و مبارز می‌طلبید، حبیب بن مظاهر و بُریر بن خُصیر از جای جستند؛ اما حسین علیه السلام به آنها فرمود: «بنشینید.» در این هنگام، عبدالله بن عُمیر برخاست و اذن میدان گرفت و حضرت به او اجازه رزم داد.<sup>۱</sup>

البته گزارش‌های متناقض درباره حبشه بن قیس بن سلمه نهمی،<sup>۲</sup> عبدالله بن بشر بن ربیعہ خثعمی و قاسم بن حبیب بن ابی بشر آزدی کوفی<sup>۳</sup> وجود دارد. این سه نفر نیز به همراه سپاه عمر بن سعد به کربلا آمدند و در فرصت مناسب به سپاه امام علیه السلام ملحق شده و به شهادت رسیدند. این نام‌ها، در منابع کهن و معتبر که نام شهدای کربلا را ذکر کردند، وجود ندارد.

۲. گروهی دیگر از لشکریان عمر بن سعد که شاهد برخورد و رفتار نامناسب عمر بن سعد و سپاهیانش با امام حسین علیه السلام بودند و از رفتن آن حضرت علیه السلام به مکانی دیگر، ممانعت و مخالفت می‌کردند، از خود واکنش نشان داده و در شب هنگام یا صبح روز عاشورا، به امام علیه السلام ملحق شدند؛ افرادی همچون: عمرو بن ضَبیعہ بن قیس تمیمی،<sup>۴</sup> حُلاس بن عمرو راسبی،<sup>۵</sup> زُهیر بن (سلیمان) سُلیم آزدی،<sup>۶</sup> مالک بن عبد بن سَریع، سیف بن حارث و یزید بن زیاد بن مُهاصر ابوشعثاء کندی.<sup>۷</sup>

۱. ر.ک: همان.

۲. سماوی، ابصار العین فی انصار الحسین، ص ۷۹؛ مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱، ص ۲۵۰.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۱۳؛ سماوی، ابصار العین فی انصار الحسین، ص ۱۱۳؛ مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲، ص ۳۳۲.

۴. سماوی، ابصار العین فی انصار الحسین، ص ۱۸۷.

۵. همان، ص ۱۰۹.

۶. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۱۳؛ مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱، ص ۴۵۲؛ سماوی، ابصار العین فی انصار الحسین، ص ۱۰۹.

۷. طبری، تاریخ الأمم والرسل والملوک، ج ۷، ص ۳۰۵۱.





از آنجاکه درباره بکرین حی تمیمی<sup>۱</sup>، حارث بن امرء القیس کندی، جُوین بن مالک تمیمی<sup>۲</sup>، نعمان بن عمرو راسبی<sup>۳</sup> و شیبیب بن جراد کلابی<sup>۴</sup>، گزارش‌های ضدونقیضی وجود دارد و از سوی دیگر، این گزارش‌ها در منابع کهن و معتبر وجود ندارد، نام آنها را نمی‌توان جزء ملحق‌شدگان قطعی یاد کرد.

بنابراین، با توجه به مطالب پیش‌گفته، پیوستن عده‌ای در شب عاشورا به سپاه امام حسین علیه السلام، دارای شواهد و مستندات قابل توجه بوده و به راحتی قابل انکار نیست.

### نتیجه‌گیری

باتوجه به بررسی داده‌های تاریخی درباره شب عاشورا و تحلیل نقل‌های مستند، چنین به دست می‌آید که روحیه جهادی و شهادت‌طلبانه یاران امام حسین علیه السلام و سخنان پُرشور و حماسی آنان در ولایت‌پذیری و تبعیت بر اساس شناخت و معرفت از امام علیه السلام خود در شب عاشورا که مورد تأیید قریب به اتفاق مورخان است، علاوه بر اینکه جداسدن یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا را تأیید نمی‌کند، بلکه گزارش‌های تاریخی و دلایل گفته‌شده در متن، گویای این حقیقت است که همه افرادی که از روز دوم محرم به همراه آن حضرت وارد سرزمین کربلا شدند، تا روز عاشورا با امام علیه السلام باقی بوده و با ایمانی قوی و شجاعتی وصف‌ناپذیر، در رکاب حضرت جنگیدند. این امر، بیانگر مخدوش بودن نظریه جداسدن یاران امام علیه السلام در شب عاشورا است. در واقع، این اتفاق مربوط به منزل «زباله» است. بررسی برخی یافته‌های تاریخی که مدعی پیوستن عده‌ای از کوفه و حتی از میان لشکر عمر بن سعد در شب و روز عاشورا به سپاه حضرت بودند، نشان می‌دهد که اساس پیوستن افرادی به دلایل و انگیزه‌های متفاوت و در زمان‌های مختلف و فرصت‌های مناسب در شب نهم یا شب عاشورا و حتی صبح روز عاشورا، پیش از آغاز نبرد، از لشکر عمر بن سعد به سپاه امام

۱. سماوی، ابصار العین فی انصار الحسین، ص ۱۱۳؛ مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱، ص ۱۷، دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۹۶.
۲. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۱۳.
۳. سماوی، ابصار العین فی انصار الحسین، ص ۱۰۹.
۴. مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲، ص ۸۰.





حسین علیه السلام، انکارناپذیر است؛ اما همان‌گونه که نمی‌توان به صورت موجه کلیه پیوستن ۳۰ نفر به سپاه امام حسین علیه السلام را پذیرفت، قطعاً نمی‌توان به شکل سالبه کلیه، آن را رد کرد و اساس آن را زیر سؤال برد؛ زیرا گزارش اسامی بعضی از ملحق‌شدگان که پس از رشادت‌ها در کنار حضرت به شهادت رسیدند و نامشان در جمع شهدای کربلا در منابع کهن و معتبر ثبت و ضبط شده، وجود دارد؛ هرچند نام آنها در تابلوی بالا و نزدیک ضریح مطهر وجود ندارد. پس، همان‌گونه که وجود داشتن نام آنها در تابلو نزدیک ضریح مطهر، سند و دلیل معتبر بر جزء شهدای روز عاشورای کربلا بودن نیست، نبودن نام آنها در آن دو تابلو هم دلیل بر جزء شهدای روز عاشورا نبودن نیست.





## منابع

قرآن كريم.

- ابن اثير، عزالدين، ١٣٧٢ش، الكامل في التاريخ، ترجمه: محمدحسين روحاني، چاپ اول، تهران: نشر اساطير.
- ابن اعثم، ابومحمد، ١٤١٢ق، الفتوح، جلد چهارم، بيروت: دار الفكر.
- ابن سعد، كاتب واقدى، ١٣٧٥ش، طبقات الكبرى، ترجمه: مهدوى دامغانى، تهران: انتشارات فرهنگ و انديشه.
- ابن شهر آشوب، محمدبن على، بى تا، معالم العلماء، قم: بى نا.
- ابن شهر آشوب، محمدبن على، بى تا، مناقب آل ابى طالب، مصحح: رسولى محلاتى، تهران: مؤسسه انتشارات علامه.
- ابن طاووس، على بن موسى، ١٣٤٨ش، اللهوف على قتلى الطفوف، ترجمه: احمد فهري زنجاني، چاپ اول، قم: انتشارات جهان.
- ابن عبدربه، الأندلسى، بى تا، العقد الفريد، بيروت: مكتبة الهلال.
- ابن عساکر، على بن حسن، ١٤١٥ق، تاريخ مدينة دمشق، بيروت: دار الفكر.
- ابن قتيبه دینورى، عبدالله بن مسلم، ١٣٨٨ش، الامامة والسياسة، قاهره: شركة مكتبة مصطفى البابى الحلبي وأولاده، الطبعة الأخيرة.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، ١٤٠٨ق، البداية والنهاية، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار احياء التراث العربية.
- ابن نما حلى، جعفر بن محمد، ١٤٠٦ق، مثير الأحران ومنير سبل الأشجان، قم: مدرسة الإمام المهدي.
- ابوالفرج اصفهاني، على بن الحسين، ١٤١٤ق، مقاتل الطالبين، قم: الشريف الرضى.
- ابى مخنف، ١٣٧٥ش، مقتل الحسين، ترجمه: محمدباقر و محمدصادق انصارى، ايران: مؤسسه مطبوعاتي دار الكتاب.
- ابى مخنف، ١٤٣١ق، وقعة طف، قم: مجمع جهانى اهل بيت عليه السلام.
- اردبيلي، محمدبن على، ١٤٠٣ق، جامع الرواة وإزاحة الاشتباهات عن الطرق والأسناد، بيروت: بى نا.
- استرآبادى، ميرزا محمدبن على، ١٤٢٢ق، منهج المقال فى تحقيق أحوال الرجال، قم: مؤسسة آل البيت.
- آقابزرگ تهراني، محمدمحسن، ١٤٠٣ق، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، بيروت: دار الأضواء.
- الامام ابى محمدالحسن بن على العسكرى، ١٣٨٤ش، التفسير، تحقيق الشيخ محمد الصالحى انديمشكى، قم: منشورات ذوى القربى، ١٣٨٤ش.
- امين، محسن، ١٤٠٣ق، اعيان الشيعة، بيروت: دار التعارف.
- بلاذرى، ١٣٩٧ق، انساب الأشراف، تحقيق: محمدباقر محمودى، چاپ اول، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
- بلاغى، محمدجواد، بى تا، تفسير آلاء الرحمن فى تفسيرالقرآن، قم: مكتبة الوجدانى.
- بهبهاني، محمدباقر بن عبدالكريم، ١٤٠٩ق، الدمعة الساكبة فى احوال النبى والعترة الطاهرة، بيروت: مؤسسة اعلمى للمطبوعات.







پیشوایی، مهدی، ۱۳۸۴ش، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).  
جعفری، سید حسین محمد، ۱۳۹۲ش، تشیع در مسیر تاریخ، مترجم: آیت الهی، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حائری مازندرانی، ملا مهدی، ۱۳۹۲ش، معالی السبطين، ترجمه: رضا کوشاری، چاپ پنجم، تهران: بی‌نا.  
حسن‌زاده آملی، حسن، ۱۳۷۵ش، هزار و یک کلمه، قم: بوستان کتاب.  
حسینی تهرانی، سید محمدحسین، ۱۴۲۶ق، امام‌شناسی، مشهد: علامه طباطبایی.  
خوارزمی، حسین، ۱۳۶۷ق، مقتل الحسين، کوشش: الشيخ محمد السماوی، نجف: مطبعة الزهراء.  
خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۰ق، معجم رجال الحديث، الطبعة الرابعة، قم: مرکز نشر آثار شیعه.  
ذهبی، محمدبن احمد، ۱۳۹۲ق، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، الطبعة الأولى، بیروت: دار المعرفة.  
سماوی، محمدبن طاهر بن حبيب، بی‌تا، أبصار العین فی أنصار الحسين، قم: بصیرتی.  
شمس‌الدین، محمد مهدی، ۱۳۶۴ش، أنصار الحسين، تهران: انتشارات امیرکبیر.  
شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ۱۴۰۹ق، منیة المرید فی أدب المفید و المستفید، تحقیق: رضا مختاری، قم: مکتب الإعلام اسلامی.

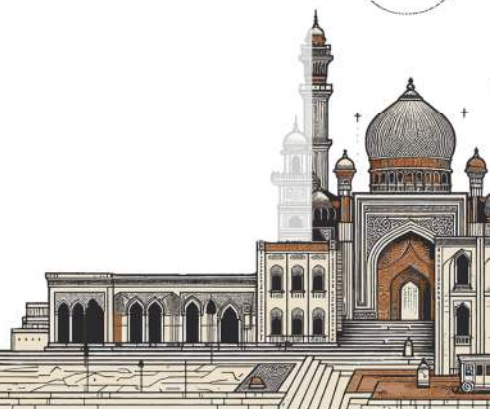
شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، بی‌تا، منیة المرید، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران: بی‌تا.  
شوشتری، محمدتقی، ۱۴۰۱ق، قاموس الرجال، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۱ق.  
شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعة، ایران: قم: آل‌البيت، ۱۴۱۴ق.  
شیخ صدوق (محمدبن علی)، ۱۳۶۳ش، الامالی، تهران: کتابخانه اسلامیة.  
شیخ صدوق (محمدبن علی)، ۱۳۹۸ق، توحید، قم: منشورات جامع المدرسين فی الحوطة العلمية فی قم المقدسة.  
شیخ صدوق (محمدبن علی)، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.  
شیخ مفید (محمدبن محمد بن نعمان)، بی‌تا، الإرشاد، قم: مؤسسه آل‌البيت لإحياء التراث.  
صالحی حاجی‌آبادی، ابراهیم، ۱۳۹۸ش، طعنه رقیب یا خطای تاریخ، تهران: نشر نگاه معاصر.  
طباطبایی، عبدالعزیز، ۱۴۱۷ق، أهل البيت فی المکتبة العربية، قم: آل‌البيت.  
طبرسی، احمدبن علی، ۱۴۲۴ق، احتجاج، تهران: انتشارات اسوه.  
طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۷۶ش، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل‌البيت لإحياء التراث.  
طبری، محمدبن جریر، ۱۳۵۲ش، تاریخ الأمم والملوک، ترجمه: ابوالقاسم پابنده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.  
علامه حلی، بی‌تا، خلاصة الأقوال فی معرفت الرجال، چاپ اول، بی‌جا: مؤسسه نشر القاهرة.  
غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی، ۱۳۶۲ش، حبيب السیر فی أخبار أفراد البشر، معروف به خواندمیر، تهران: خیام.  
فاضل دربندی، شیروانی حایری، ۱۴۱۵ق، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، منامه: شركة المصطفی للخدمات الثقافية.

قتال نیشابوری، محمدبن حسن، ۱۳۶۶ش، روضة الواعظین، ترجمه: مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.





- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر صافی، تهران: مکتبه الصدر.
- قاضی طباطبائی، سید محمدعلی، ۱۳۸۳ش، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا، تهران: وزارت ارشاد.
- قهپایی، عنایةالله، ۱۳۶۴ش، مجمع الرجال، محقق: ضیاءالدین علامه، قم: اسماعیلیان.
- گروهی از تاریخ‌پژوهان، ۱۳۸۹ش، مقتل جامع سیدالشهدا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- گروهی از نویسندگان، ۱۳۶۰ش، دائرة المعارف تشیع، تهران: بنیاد اسلامی طاهر.
- مامقانی، عبدالله، ۱۳۵۲ق، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: مرتضویه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، روضة المتقین، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- مسکویه، ابوعلی، ۱۳۹۰ش، تجارب الأمم، ترجمه: ابوالقاسم امامی، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- مُقرّم، سید عبدالرزاق، بی تا، مقتل الحسین، بیروت: دار الکتاب.
- ملبویی، باقر، ۱۳۴۱ش، الوقایع والحوادث، ایران: دار العلم.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الواسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۷۱ش، تاریخ یعقوبی، ترجمه: آیتی، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.





## References

The Holy Quran.

A group of historians. (2010). *Maqal Jame' al-Shuhada*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Abu al-Faraj Isfahani, A. I. H. (1994). *Muqatil al-Talibin*. Qom: Al-Sharif al-Radi.

Abu Mokhnaf. (1991). *Maqal al-Hussein* (M. B. Ansari & M. S. Ansari, Trans.). Iran: Dar al-Ketab Publications.

Abu Mokhnaf. (2010). *Waq'at al-Taff*. Qom: Ahl al-Bayt (A. S) World Assembly.

Agha Buzurg Tehrani, M. M. (2024). *Al-Dhari'a Ila Tasanif Al-Shi'a*. Beirut: Dar al-Awda.

Al-Khwarizmi, H. (1988). *The Murder of Al-Hussein* (Ed. Sheikh Muhammad Al-Samawi). Najaf: Al-Zahraa Publications.

Allameh Hali. (n.d.). *Summary of Sayings in the Knowledge of Men* (1st ed.). n.p.: Cairo Publications.

Amin, M. (1983). *Ayan al-Shi'a*. Beirut: Dar al-Taarof.

Ardabili, M. B. A. (1983). *Jami Al-Rawat and Explanation of Errors on the Paths and Asnads*. Beirut: n.p.

Askari, I. A. M. H. A. (2005). *Al-Tafseer* (S. M. al-Salehi Andimeshki, Ed.). Qom: Zhu'i al-Qurabi Manifestos.

Balaghi, M. J. (n.d.). *Tafsir Ala'ar-Rahman fi Tafsir al-Quran*. Qom: Maktab al-Wejdani.

Balazri. (2018). *Ansab al-Ashraf* (Ed. Mohammad Bagher Mahmoudi, 1st ed.). Beirut: Dar al-Taqqin Publications.

Behbahani, M. B. A. K. (1989). *Al-Dam'a al-Sakiba fi Ahwa'l-Nabi wa'l-Atra al-Tahirah*. Beirut: A'alami Press Foundation.

Dhahabi, M. A. (2013). *The Balance of Moderation in Criticism of Men* (1st ed.). Beirut: Dar Al-Maraf.

Estrabadi, M. M. B. A. (2001). *Monhaj al-Maqal fi tahqiq ahval al-rejal*. Qom: Al-al-Bayt Institute.

Faiz Kashani, M. (1995). *Tafsir Safi*. Tehran: Maktaba al-Sadr.

Fattal Neyshaburi, M. H. (1987). *Rawdat al-Wa'ezin* (Trans. Mahdavi Damghani). Tehran: Ney Publications.

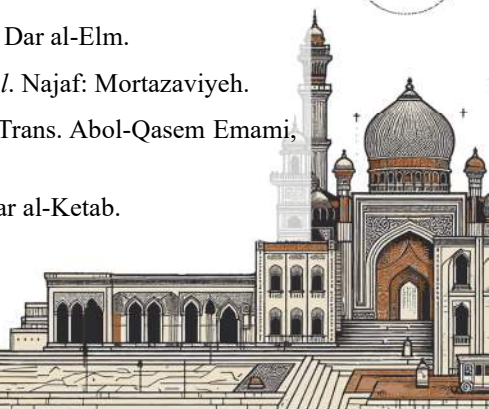
Fazel Darbandi, Sh. H. (1995). *Elixir of Worship in the Secrets of Testimonies*. Manama: Al-Mustafa Cultural Services Company.

Gh. D. H. D. H. (1983). *Habib al-Sir fi Akhbar al-Bashr*, known as Khandamir. Tehran: Khayyam.





- Group of Authors. (1981). *Shiite Encyclopedia*. Tehran: Taher Islamic Foundation.
- Ha'eri Mazandarani, M. M. (2013). *Ma'ali al-Sabtin* (Trans. Reza Koshari, 5th ed.). Tehran.
- Hassanzadeh Amoli, H. (1996). *A Thousand and One Words*. Qom: Boostan Ketab.
- Hosseini Tehrani, S. M. H. (2005). *Imam Study*. Mashhad: Allameh Tabatabaee.
- Ibn Abd Rabbah, A. A. (n.d.). *Al-Aqd Al-Farid*. Beirut: Maktab al-Helal.
- Ibn Asaker, A. I. H. (1995). *History of the City of Damascus*. Beirut: Dar Aal-Fekr.
- Ibn Atham, A. M. (1992). *Al-Fotuh* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Fekr.
- Ibn Athir, E. D. (1993). *Al-Kamil Fi Tarikh* (M. H. Rouhani, Trans., 1st ed.). Tehran: Asatir Publications.
- Ibn Kathir, I. I. O. (1988). *Al-Bedayah va al-Nahiya* (A. Shiri, Ed.). Beirut: Dar al-Ehya' al-Torath al-Arabiyyah.
- Ibn Nama Heli, J. I. M. (1986). *Muthir Al-Ahzan and Munir Sabl Al-Ashjan*. Qom: Imam Mahdi School.
- Ibn Qutaybah Dinwari, A. I. M. (1388). *Imamate and Politics*. Cairo: Mustafa Al-Babi Al-Halabi and Sons Publications.
- Ibn Saad, K. W. (1996). *Tabaqat al-Kubra* (Mahdavi Damghani, Trans.). Tehran: Farhang va Andisheh Publications.
- Ibn Shahrashob, M. I. A. (n.d.). *Ma'alem al-Olama*. Qom: n.p.
- Ibn Shahrashob, M. I. A. (n.d.). *Manaqeb Al e- Abi Taleb* (R. Mahallati, Ed.). Tehran: Allameh Publications.
- Ibn Tawus, A. I. M. (1969). *Al-Lahouf Ali Qatuli Al-Tafuf* (A. F. Zanjani, Trans., 1st ed.). Qom: Jahan Publications.
- Jafari, S. H. M. (2013). *Shi'ism on the Path of History* (Trans. Ayatollah). Tehran: Islamic Culture Publications.
- Khoei, S. A. al-Q. (1990). *Dictionary of Men of Hadith* (4th ed.). Qom: Shiite Works Publishing Center.
- Majlesi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Al-Wafa Institute.
- Majlisi, M. T. (1986). *Rawdat al-Mutaqeen*. Qom: Kushanpur Islamic Cultural Institute.
- Malboubi, B. (1962). *Al-Waqaye' wa al-Hawadeth*. Iran: Dar al-Elm.
- Mamqani, A. (1973). *Revision of al-Maqal fi ilm al-Rajal*. Najaf: Mortazaviyeh.
- Miskawayh, A. A. (2011). *The Experiences of Nations* (Trans. Abol-Qasem Emami, 1st ed.). Tehran: Soroush Publications.
- Muqarram, S. A. R. (n.d.). *Maqatal al-Hussein*. Beirut: Dar al-Ketab.





- Nouri, M. H. (1988). *Mustadrak al-Wasa'il*. Beirut: Aal al-Bayt Institute.
- Pishva'i, M. (2005). *Seerah of the Leaders*. Qom: Imam Sadeq (a.s.) Institute.
- Qahpayi, E. (1985). *Majma' al-Rijal* (Ed. Zia al-Din Allameh). Qom: Ismaili.
- Qazi Tabataba'i, S. M. A. (2004). *Research on the First Arba'in of Hazrat Sayyid al-Shuhada*. Tehran: Ministry of Guidance.
- Salehi Hajjabad, I. (2019). *Taunt of the Rival or the Error of History*. Tehran: Negah Publications.
- Samawi, M. T. H. (n.d.). *Absar al-Ain fi Ansar Al-Hussein*. Qom: Basirati.
- Shahid Thani, Z. D. A. (1989). *Muniya al-Murid in the Literature of the Useful and the Most Benefited* (Ed. Reza Mokhtari). Qom: Maktaba al-Imam al-Islami.
- Shahid Thani, Z. D. A. (n.d.). *Muniya al-Murid*. Tehran: Islamic Educational Publications.
- Shams al-Din, M. M. (1985). *Ansar al-Hussein*. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Sheikh Hurr Ameli, M. H. (1994). *Wasa'il al-Shi'a, Iran*. Qom: Al-al-Bayt.
- Sheikh Mufid, M. M. N. (n.p.). *Al-Irshad*. Qom: Al-Bayt Institute.
- Sheikh Saduq, M. A. (1984). *Al-Amali*. Tehran: Islamic Library.
- Sheikh Saduq, M. A. (1993). *Min Lai-Hadrazah Al-Faqih* (Ed. Ali Akbar Ghaffari, 2nd ed.). Qom: Islamic Publications.
- Sheikh Saduq, M. A. (2019). *Towhid*. Qom: Publications of the Association of Teachers in the Al-Hawzat Al-Ilmiyah in Holy Qom.
- Shushtari, M. T. (1981). *Dictionary of Men*. Qom: Islamic Publications.
- Tabari, M. B. J. (1973). *History of the Nations and the Monarchs* (Trans. Abolqasem Payandeh). Tehran: Farhang e- Iran Institute.
- Tabarsi, A. B. A. (2003). *Protest*. Tehran: Asveh Publications.
- Tabarsi, F. H. (1997). *Al-Wari Media, Al-Alam Al-Hadi*. Qom: Al-Al-Bayt Institute.
- Tabatabaee, A. A. (1996). *Ahl al-Bayt fi al-Muktabat al-Arabiya*. Qom: Al-Bayt.
- Yaqubi, A. I. A. Y. (1992). *Tarikh al-Yaqubi* (Trans. Ayat, 6th ed.). Tehran: Scientific and Cultural Publications.



